

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور محمد اکبر یوسفی

۱۶ اپریل ۲۰۱۲

فاجعه المناک پنجوائی و انعکاساتی چند در مطبوعات خارجی!

حادثه قتل شانزده نفر، در دهات پنجوائی قندهار، که چند روزی بعد تعداد کشته شدگان به ۱۷ نفر ارتقاء داده شد، جزء نفرت انگیزترین اعمال غیر انسانی و وحشیانه ای به شمار می رود که در طی بیش از ده سال اخیر، در کشور بلا کشیده ما در تحت شرایط خاص حضور قوای خارجی، آنها توسط یک عسکر امریکائی، به وقوع پیوسته است. گزارشگران رسانه های «انترنتی»، به تاریخ ۱۱ مارچ ۲۰۱۲ خبر داده اند که «یک عسکر امریکائی از پایگاه خود واقع در یک قریه جنوب افغانستان، قبل از روشنی روز یکشنبه، خارج می گردد، بر روی اتباع ملکی در خانه هایشان، آتش کشوده، به تعداد ۱۶ نفر را بقتل می رساند، که در جمله به قول مقامات رسمی افغان، ۹ طفل نیز شامل آن تعداد متذکره بوده اند.

این فیر ها، در پنجوائی ولایت قندهار، نمایانگر کشته ترین حمله ایست، که توسط یک عسکر امریکائی در جنگ ده ساله در افغانستان انجام می گیرد. بناءً مقامات امریکائی فرد متهم را، که یک خورد ضابط («سیرجنت ستاف»)، نام داده شده است، بازداشت نموده اند. مبرهن است که احساسات ضد امریکائی، در این شرایط زمانی معین افزایش یافته می تواند، این در حالی صورت خواهد گرفت که به غیر از آن، در برابر حضور قوای خارجی در افغانستان، و همچنان در بین امریکائی ها، نسبت به مأموریت اضلاع متحده در اینجا بد بینی، رو به از دیاد می باشد.»

مستقیماً پس از نشر خبر قتل ۱۶ نفر ملکی، توسط عسکر امریکائی، «واشنگتن پُست»، به تاریخ ۱۲ مارچ ۲۰۱۲، گزارش داده است، که این حادثه، باعث بروز «صدای خشم افغانها» گردیده و «طالبان پیمان انتقام گرفتن» را اعلام داشته اند. مقامات رسمی افغان نیز اظهارات بیمناک نموده اند، وقتی روز دوشنبه، باشندگان خشمگین دهات، خاموشانه اجساد ۱۶ نفر را که ۹ تن از آنها طفل بوده، به خاک سپرده اند. از آدرس پارلمان افغانستان خبر داده اند که «بعضی از اعضای پارلمان افغانستان، روی ارزیابی اضلاع متحده، مبنی بر این که گویا، فقط یک فرد تفنگدار، مسؤول این کشتن بوده است، اظهار شک نموده اند. آنها مورد سؤال قرار داده اند که

آیا این خورد ضابط واحد نظامی، تفنگدار قاتل، مورد بازپرس قرار خواهد گرفت و به خاطر این بدترین بیرحمی و عمل وحشیانه، محکوم خواهد شد؟

به تاریخ ۱۲ مارچ، «واشننگتن پُست»، در رابطه با این حادثه هولناک و غم انگیز، بدین فورمولبندی خبر داده است، «مأموران رسمی افغان و «ناتو» گفته اند: یک عضو وظیفه دار اضلاع متحده، ناگهان از قرارگاه خود در جنوب افغانستان، قبل از سپیده دم روز یکشنبه خارج شده، به فیر بر ملکی های افغان، آغاز نموده است.» روزنامه در عین زمان همچنان تذکر می دهد، که در باره این اتفاق، گزارشات از هم خیلی متفاوتی منتشر شده اند.

از زبان یکی از اعضای ولسی جرگه افغانستان، به نام «نظیفه ذکی» می نویسد: «اگر این متهمین مجازات نگردند، مردم مجبور خواهند شد تا در یک قیام سهم بگیرند.» از این اظهار بر می آید که محافل رسمی افغانستان جرم و یا شرکای جرم را، آنطوریکه رئیس جمهور نیز شخصاً، بیان نموده اند، از جانب افراد بیشتر می دانند. در این فاجعه و این جنایت قتل بیگناهان ملکی معصوم اعم از اطفال زنان و مردان، خلاف، موضعگیری رسمی روز اول مسئولین نظامی امریکا، که این عمل را از جانب «یک شخص» می دانند، موقف نمایندگان دولت تحت حمایت آنها، طوری دیگری است. یعنی همه مقامات افغانی به جای متهم، متهمین یا به جای قاتل، قاتلین یاد می کنند.

از زبان سخنگوی سابق رئیس جمهور، آقای وحید عمر، روزنامه می نویسد: «من طوری نگران هستم که قبلاً هیچگاه چنین نبوده است.» روزنامه اضافه می نماید: «کسی که سالیان طولانی بر استدلال هائی تکیه داشته است، که روابط میان کابل و حامیان غربی آن، تا حدی خاردار، ولی سخت و ضروری است.» چنین به نظر می رسد که ما فقط انتخاب های بد انجام می دهیم. خطوط میان دوستان و دشمنان، چنان تیره و لکه دار اند، که در گذشته هیچ گاه چنین نبوده است.»

از زبان خانم شکریه بارکزی عضو ولسی جرگه، کسی که به اساس گزارش روزنامه، ریاست کمیته دفاع پارلمان را به دوش داشته و ایشان را از روابط قوی با مقامات رسمی غرب برخوردار می دانند، چنین نقل می کند: «خون افغان نمی تواند بیهوده بریزد.» افسوس است، در بحران بیش از سی سال که خون بی پایان ریخته است، کدام خون بی گناهان، بی شمار بیهوده نبوده است. خانم، با احساسات و علاقه مندی فردی، خود را باید «وکیل مؤکلین خود» بداند. از نام همه افغانها، باید با دقت حرف زده شود. روزنامه در این رابطه همچنان می نویسد: «بارکزی گفت، مظنون باید در یک محکمه افغان یا محکمه بین المللی، به جای محکمه نظامی اضلاع متحده، محاکمه گردد.» در جای دیگر از بارکزی حکایت می شود: «ما حقیقتاً به یک محکمه خیلی ها رسمی و مناسب، برای این شخص نیاز داریم.» این خانم گفت: «ما حقیقتاً، حقیقتاً به آن نیاز مندیم.»

خلاف اظهارات و خواست خانم بارکزی، «واشننگتن پُست» می نویسد: «مطالبه در مورد تعقیب قانونی مظنون در یک محکمه افغان - انتظاری است خیلی غیر محتمل، زیرا قوای امریکائی، از تعقیب قانونی در افغانستان مصونیت دارند - انعکاس مباحثه، در باره این که آیا لزوم محفوظ ماندن افراد خدماتی اضلاع متحده، از تعقیب قانونی در محاکم عراق متصور است، باعث شد.» در ارتباط با وقوع حوادث در افغانستان علاوه می گردد: «کشتارها، در آخرین حادثه، متصل سلسله اشتباهات و غلطی های کورکورانه ای که همانند ریزش آبشار به وقوع پیوسته است، اعتماد افغانها را در برابر اضلاع متحده تکان داده است.» ضمن آن که نویسنده از «نتیجه گیری های «رپورتاژ» تلویزیونی، یاد آور گردیده، تأکید می نماید که «حتی بعضی افغانهایی که دارای مناسبات نزدیک

با اضلاع متحده می باشند، بیم از آن دارند که کشتار یکشنبه در منطقه پنجوائی ولایت قندهار، خواهد توانست نقطه عطف برگشت نا پذیری را باعث شود»

همین روزنامه معروف امریکائی می نویسد که: «طالبان پیمان انتقام را از این کشتن یاد کرده اند، که در مطابقت با شرح داستان آنهاست. آنها به قوای خارجی به عنوان قاتلین بی عاطفه می نگرند، که جنگی را علیه اسلام به راه انداخته اند. در یک اعلامیه، این گروپ جنگجو، پیشکش می نماید، که اضلاع متحده امریکا، در جست و جوی آنست، تا تصویر کشتار را، عمل یک عسکر دیوانه یا مختل، وانمود نماید.»

در ادامه متن روزنامه، متن این جمله را از اعلامیه طالبان دانسته، می نویسد: «هرگاه مرتکبین این قتل عام در حقیقت بیمار بوده باشند، پس حال یک تخلف اخلاقی دیگری را از جانب نظامیان امریکائی گواهی می دهد، به دلیل آن که، آنها دیوانه ها را مسلح ساخته و به افغانستان می فرستند، که سلاح های خود را علیه افغانهای بی دفاع می کشند.»

در رابطه با قسمتی از چنین اظهارات، مجله مصور المانی، به نام «شترن» در شماره سیزدهم، مؤرخ ۲۲ مارچ ۲۰۱۲، قریب ۱۱ روز پس از وقوع حادثه قتل عام در پنجوائی، گزارشی را در باره زندگی شخصی و خدمات نظامی، این خورد ضابط اردوی امریکا، «رابرت بیلز» (Robert Bales) ترتیب داده، همچنان درست در مطابقت با اولین اظهارات وکیل مدافع «متهم»، در عنوان درشت مقدماتی می نویسد: «یک محافظ خیلی بزرگ خوب». متعاقباً می خوانیم: «بعد از حمله وحشیانه در قندهار، اردوی اضلاع متحده تحت فشار قرار گرفته است. چرا عسکر آسیب خورده روانی، «رابرت بیلز» را دوباره به جنگ فرستاده است؟

جریان حمله وحشیانه را «شترن» به طور خلاصه چنین بیان می دارد: «رابرت بیلز» متهم است که یکشنبه هفته گذشته، حوالی ساعت سه صبح از پست نگهبانی بیرونی در ولایت قندهار، به دو قریه راه پیمائی نموده است. این که تنها بوده و یا همراه داشته است، طوری که بعضی از باشندگان مدعی شده اند، تا حال توضیح نگردیده است. گفته اند که در خانه اول تفنگش را بر خوابیده ها گشوده، یازده انسان را تیر باران کرده است. در خانه دوم چهار نفر و در خانه سوم یک نفر. از جمله ۱۶ نفر، ۹ طفل بوده اند. چهار طفل به سنین، مطابق سن دختر خودش ۴ ساله و پسرش ۳ ساله بوده اند. بیرحمانه تر از این در جنگ به ندرت می تواند باشد.» («شترن»، شماره ۱۳، ۲۰۱۲، صفحه ۹۷)

در همین منبع آمده است که «فقط سه سال» را در بر گرفته است، که «رابرت بیلز» از یک عسکر نمونه و سرمشق قابل «نمایشی» برای دیگران، به یک «قاتل حيله گر و دسیسه باز» مبدل شده است. از زبان رئیس جمهور «اوباما»، حکایت می گردد، که به عنوان «یک حادثه مصیبت آمیز و غمناک» دانسته است. کمی قبل هم مجبور به طلب «عفو» از جانب مردم افغانستان به علت، آن که عساکر در ماه فیروزی، کتب «قرآن را حریق» نموده بودند، شده بود.

«رئیس جمهور افغانستان، حامد کرزی با خشم و غضب طالب بازگشت قوای اضلاع متحده، از «پسته های» بیرونی شد.» در عین زمان در همین منبع تذکر داده می شود که «طالبان مذاکرات صلح را با اضلاع متحده امریکا، متوقف ساخت. .. رسیدن به یک معامله سیاسی، که خروج قوای خارجی را در سال ۲۰۱۴ باید امکانپذیر سازد، خیلی دور به نظر می خورد» (همانجا)

نویسنده مطلب «شترن» همچنان سؤالی را مطرح می نماید، این که چرا هیچ کس، تغییر شخصیت «رابرت بیلز» را درک ننموده است، از نظر او در این «تراژیدی» و مصیبت، معماست. - «هیچ کس از حلقه فامیل، دوستان و

رفقای همکارش، حتی خود روانشناسان اردو، بعد از ده سال تداوم جنگ در حقیقت نمی دانند که، به چه سرحد خاص یک عسکر مریض شده می تواند. ... به سن ۳۸ سالگی، بعد از ۱۱۹۵ روز در جبهه». سابقه مصروفیت او را در بازار «بورس» دانسته، از سروکار او در خدمت عسکری بعد از حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ گزارش می یابد. (همانجا)

آنچه مایه نگرانی است، قبل از این واقعه «خبیط» سنگین دیگری از جانب عساکر امریکائی در بگرام، به وقوع پیوسته، که در منبع فوق نیز تذکر رفته است، در صفحات روزنامه های دیگر همچنان، از «حریق» کتاب مقدس «قرآن شریف» نام برده شده است. این خبر که باعث انزجار و نفرت تمام جهان نیز گردید، این چنین بی احترامی و عدم توجه به مقدسات، طبیعتاً از دید مسلمانان مؤمن، گناه نا بخشودنی شمرده می شود. احتجاجات مردم در این رابطه از خود کشته هم به جا گذاشت. حال با این حادثه اخیر در پنجوائی، روزنامه ها هم می نویسند: «جرقه های جدید بحران افزا، مناسبات اضلاع متحده و افغانستان را تهدید می نماید»، در عین زمان تذکار می گردد، این در حالی است که هر دو «ملت»، در وسط «مذاکرات» متنازع فیه، روی تمديد حضور قوای نظامی اضلاع متحده امریکا»، در این کشور، بعد از سال ۲۰۱۴ قرار داشته، باید به توافق برسند.

این واقعه، به قول صاحب نظر روزنامه، علوفه و مواد خام تازه ایرا برای انتقاد از «اداره اوباما» در افغانستان و از ستراتیژی سال ۲۰۰۹ او که باید سرنوشت «خروج» قوا را مصون سازد، به بار آورده است. از زبان حامد کرزی، رئیس جمهور افغانستان، نقل نموده می نویسند که او، این فیرها را «قتل» («assassination»)، خوانده، در این رابطه خواهان توضیح از جانب اضلاع متحده امریکا، می باشد.

مروری بر وقوع حوادث افغانستان، به وضاحت نشان می دهد، که با وقوع هر حادثه اکثراً توجه کمتر به حال آسیب دیدگان صورت گرفته است، خلاف آن حلقات معین کوشیده اند، بهره برداری های سیاسی گروپی یا حکومتی خود را به پیش برند.

روزنامه «نیویارک تایمز» در شماره مؤرخ ۱۱ مارچ ۲۰۱۲ خویش در رابطه با حادثه پنجوائی در یک عنوان درشت چنین می نویسد: «گفته می شود که خورد ضابط اضلاع متحده ۱۶ ملکی را در افغانستان به قتل رسانیده است.» در باره جریان حادثه، ضمن آنکه عکس های متعدد از اجساد قربانیان و بازماندگان محل را به چاپ رسانیده است، چنین بیان می دارد: «با آهسته خزیدن از خانه به خانه، یک خورد ضابط اردوی اضلاع متحده امریکا، بر حسب اسلوب و طرق معین کم از کم ۱۶ نفر ملکی را که در جمله به تعداد ۹ تن آنها را اطفال تشکیل می دهد، در دهات، واقع در جنوب افغانستان، در قبل از سپیده دم یکشنبه به قتل رسانیده است.» از این حادثه بیم «شعله ور» شدن موج جدید، دشمنی ضد امریکائی، بر طبق اظهارات مقامات رسمی افغانی و امریکائی، محسوس است. مبتنی بر تحلیل اخبار، همین روزنامه، می نویسد که «ارزیابی خسارات» ناشی از حادثه، به طالبان «جرات» بیشتر خواهد بخشید.

در همین روزنامه از زبان باشندگان دهات پنجوائی به عنوان یک حمله وحشتناک تشریح گردیده است، که «عسکر پیاده اضافه از یک «مایل»، از قرارگاه خود، دروازه به دروازه، احتمالاً برای هدف کشتن، دروازه های سه حویلی را هم، شکستانده باشد. این مرد ۱۱ جسد، به شمول ۴ دختر را، به سنین کمتر از ۶ سال، جمع نموده، بعد آتش زده است، باشندگان دهات گفته اند»

به ادامه به آدرس حامد کرزی رئیس جمهور می نویسند که «حمله را محکوم نموده» از «آنها» در یک اعلامیه به عنوان «یک عمل عمدی غیر انسانی» یاد نموده، خواستار عدالت اند. هر دو، «رئیس جمهور اوباما» و «سکرتر

دفاعی، «لیون پنینتا»، با «آقای کرزی» در صحبت های تلفیونی، « ابراز تسلیت و همدردی» نموده، وعده تحقیق و ارزیابی وسیع داده اند.

در متن یک اعلامیه، «آقای اوباما» می گوید: «این حادثه غم انگیز و مصیبت بار، تکانه‌دهنده و هولناک است، از خصوصیات استثنائی اردوی ما و همچنان احترامی که امریکا در برابر مردم افغانستان دارند، نمایندگی کرده نمی تواند»

مأمورین امریکائی، در کابل دست و پا می زدند، تا بدانند که چه واقع شده است، التماس آرامش می نمایند. آنهم در لحظاتی که، امریکا و افغانستان با شدت، درگیر مذاکرات در باره موضوع حضور طویل المدت امریکائی در کشور، می باشند. «مأموران رسمی گفته اند که مظنون، کارمند اردو، خورد ضابطی بوده است که تنها عمل نموده، بعد تسلیم شده است.» در نخستین گزارشات بیان شده است، که در آن زمان یک فیر کننده بوده، و همین یک شخص در بازداشت است» این اظهار از زبان «جیمی کمینگ» (Lt. Col. Jimmie Cummings) سخنگوی «ناتو» حکایت شده است.

حکایت از زبان یکی از باشندگان قریه می نویسد: «پدرم بیرون شد، تا بیابد که چه واقع می شود، کشته شد» در جای دیگر می خوانیم: «من کوشیدم تا بیرون بروم و در باره فیر ها معلومات حاصل نمایم، کسی مرا گفت شور نخورم. مرا خانم ها در فامیلیم در اتاقم پوشانیدند، بدین ترتیب است، که چگونه نجات یافتم.»

از زبان شخصی به نام «آقای هادی» می نویسند که: «در آنجا بیشتر از یک عسکر در حملات سهیم بوده اند، و در بیش از پنج ده دیگر، تعدادی از عساکر دیده شده اند. در عین زمان از دوران «هیلیکوپتر ها» در فضای این صحنه، حکایت به عمل آمده است. لیکن این ادعا ها تأیید نشده است – بعضی از باشندگان افغان از موجودیت یک تفنگدار تذکر به عمل آورده اند. این هم روشن نیست که آیا، قوای فوق العاده دیگر بیرون از ده، بعد از حمله، برای گرفتاری تفنگی فرستاده شده است و یا خیر؟

منبع می افزاید که «در یک معیار معین صعود بی اعتمادی بین افغانها و قوای ائتلاف، به هر حال، بسیاری از افغانها، به شمول اعضای ارگان مقننه» (قانون گذاران: هدف . ولسی جرگه) و سایر «مقامات رسمی، گفته اند، که آنها معتقد بوده اند، که حمله پلان شده بوده است، که خارج از باور است که یک عسکر امریکائی، توانسته باشد، این حمله را بدون کمک به سر رسانیده باشد. در اعلامیه خود، آقای کرزی گفته است: «قوای امریکائی» به خانه ها در پنجوائی داخل شده اند، لیکن در یک نقطه دیگر گفته است، کشتار عمل انفرادی یک عسکر بوده است. بعضی از افراد دیگر به آرامش فرا می خوانند.

روزنامه از زبان عبدالهادی ارغندیوال، وزیر اقتصاد و رهبر حزب اسلامی، یک حزب بزرگ سیاسی با تکیه گاه های «اسلامیستی»، می نویسد: «احتمال می رود که احتجاجات نوین رونما گردد.» لیکن او هم گفته است که «کشتار باید عمل یک فرد پذیرفته شود، نه از جانب اضلاع متحده». در جای دیگر اظهار می دارد: «این تصمیم افسر اردو نیست که شخصی را به انجام چنین عمل دستور دهد.» در عین زمان، علاوه می کند: «ممکن است مظاهرات زیادی به راه افتد، لیکن تصامیم حکومت ما، در مناسبات با اضلاع متحده تغییر نخواهد، یافت.» گزارشگر مدعی گردیده است که «در جاهای دیگر، اخبار کشتار، به آهستگی پخش شده است. نحوه دیگر نسبت به اعتراضات در پایگاه قندهار، علایم فوری از خشمی که به شعله ور شدن شورش در سراسر کشور، مانند عکس العمل در رابط با «حریق قرآن» منجر گردد، دیده نشد.

همین گزارشگر روزنامه «نیویارک تایمز» به «اعلام آقای کرزی» با حیرت می نگرد که گفته است، می خواهد «قوای امریکائی را به پایگاه های آن یک سال قبل از آن که آقای «اوباما» پیشنهاد نموده است، محدود سازد.»

قوت های نظامی خارجی، قبل از تشکیل اداره مؤقت وارد افغانستان شده بودند. تناسب کمی، صلاحیت و ساحات فعالیت هریک از اعضای متشکله در قوای «ایساف» و بعداً، «ناتو» و غیره متفاوت بوده است، که تحلیل تفصیلی در اینجا نمی گنجد. اما «کرونولوژی» حوادث بیش از ده سال را به خوبی تعقیب نموده ایم. ممکن آگاهان بدانند که قوای نظامی خارجی، با چه استقلالیت، فعالیت های آنها را به پیش برده اند، موازی با آن با ایجاد «اردو» و «پولیس» نو بنیاد برای افغانستان و همزمان در امر تعلیم دهی و آموزش افراد آنها نیز، پرداخته اند.

حال گزارشات روی موضوعاتی می چرخد، که گویا، الی سال ۲۰۱۴ «تمام وظایف» نظامی و پولیسی، از جانب هریک از واحد های خارجی، به واحد های افغان سپرده خواهد شد.

روزنامه ها و رسانه ها، از مدت ها قبل، «مخالفت ها و نارضایتی های» رئیس جمهور افغانستان را در باره «نحوه» بعضی از عملیات های نظامی امریکا و «ناتو»، به خصوص شکایات، از تلفات ملکی در نتیجه اجرای همچو برنامه های جنگی، مکرراً منتشر می ساخته اند. متون تأثرات و تأسفات را همه حتماً شنیده و یا خوانده اند. خیلی قبل از وقوع حادثه پنجوائی، خواستار «متوقف ساختن» بمبارانها و عملیات شبانه نیز می گردید. یکی از جنرالان خارجی، خلاف خواست او، «عملیات های شبانه» را ضروری و غیر قابل انصراف دانسته بود.

حال طوری که در یک گزارش مطبوعاتی می خوانیم: در یک اعلامیه صادر شده از «دفتر کرزی» نقل شده، گفته می شود که در یک صحبتی که رئیس جمهور افغانستان، با یکی از وابستگان بازمانده قربانیان حادثه پنجوائی داشته است، اعلامیه دولت افغانستان، نقل قولی را از زبان این وابسته، به نشر سپرده است: «شما از امریکائی ها مکرراً خواستید، تا از تلفات ملکی اجتناب ورزند، لیکن مکرراً امریکائی ها مردم بی گناه را به قتل می رسانند.»

پس از واقعه غمناک پنجوائی قندهار، «واشنگتن پُست»، روز پنجشنبه، مطابق ۲۲ مارچ ۲۰۱۲ می نویسد: «احتمال می رود که مقامات رسمی افغانستان از فشار در صحبت های رسمی، به خاطر استفاده از قوت حق رد در رابطه با عملیات شبانه کار گیرند» در همین گزارش از دیدار و صحبت رئیس جمهور افغانستان در قصر ریاست جمهوری، که در هفته قبل، با اعضای فامیل های «کشته شدگان ملکی، به دست عسکر اضلاع متحده در قندهار، انجام یافته است، سخن زده شده است. علاوهً تذکر داده شده است که «مذاکرات رسمی را به روز پنجشنبه تعیین نمود اند». با تأنید از جمله فوق در گزارش «واشنگتن پُست»، علاوهً تذکر داده شده است، که با همچو رد عملیات های شبانه، «تلاشی های خانه های افغان، به شمول سند امضاء شده قاضی»، قبل از انجام عملیات نیز مطرح خواهد شد.

علی رغم اختلافات دارای ماهیت ذاتی، «مأموران رسمی هر دو طرف، ابراز داشته اند، که اعتماد بین هر دو جانب رشد می نماید. تفاهم روی حملات مسلحانه نا گهان، به آنها اجازه خواهد داد، تا در طی مدت دو ماه، یک توافقنامه وسیعتر حکومت نمودن و مناسبات طویل المدت، بین کشور ها تکمیل گردد». این اظهارات را با حفظ راز و عدم ذکر نام، «مأمور»، به علت «حساسیت» موضوع، منتشر ساخته است.

در همین متن بار دیگر تأکید به عمل آمده است، که «رئیس جمهور افغانستان، حامد کرزی مدت طولانی روی ختم عملیات شبانه پافشاری می نموده است، قومندانان اضلاع متحده، به آن به مثابه یکی از مؤثر ترین اسباب علیه

شورشیان طالب می نگرند» به ادامه تذکر داده شده است، که «... کرزی تقاضای خود را با خشم و قهر در هفته گذشته، بعد از حادثه فیر وحشیانه ۱۱ مارچ ۲۰۱۲، تذکر داده است، که بنابر اظهارات توسط یک عسکر اضلاع متحده، انجام یافت و ۱۶ نفر ملکی به قتل رسید.» از زبان یک مقام بلند پایه دفاعی اضلاع متحده در باره اظهارات «کرزی» می گویند: «ما تبصره های او را مشاهده کرده ایم، لیکن برای ما ... از آن زمان اطمینان داده شده است.»

بر طبق همین اظهارات می نویسند که برحسب فعالیتهای مقامات رسمی و دیگران در جهت آرامش کششها، از طریق تلفون در یک روز جمعه و سایر صحبتها بین رئیس جمهور «اوباما» و «کرزی»، فعالیت صورت گرفته است.

رئیس جمهور امریکا، «اوباما» (Obama) و سکرتر دفاع، «لیون ای. پنیتا» (Leon E. Panetta)، روز یکشنبه از طریق تلفون خواستند، تا روی حادثه بحث به عمل آورند. «اوباما»، ابراز «تأثر و هول» نموده، متعهد گردید که «ارزیابی کامل هر مسؤل را» در این قتل ها در پیش گیرد، این امر در اعلامیه قصر سفید تذکر رفته است. درجائی اوبا چنین اظهار داشته است: «این حادثه، غمناک، تکانهنده و هولناک است، از مشخصات و خصوصیات استثنائی، اردوی ما و احترامی که اضلاع متحده در برابر مردم افغانستان دارد، نمایندگی نمی تواند.»

همین منبع در عین زمان تا همان لحظات نشر مطلب مدعی می گردند، که مقامات رسمی اضلاع متحده، روی «انکیزه» یا «موتیف»، متهم به انجام این عمل فیر، روشنی نینداخته اند. بر اساس خبر «اسوشییتد پریس»، به همان روز یکشنبه، متهم یا فرد مظنون، از «فورت لیویس» (Fort Lewis)، از ایالت واشنگتن بوده است. گفته شده است، که او متعاقباً بعد از آن «وحشیگری» بازداشت می گردد.

در همین گزارش همچنان منتشر گردیده است: «چنین بر می آید که او از موقف خود دور قدم برداشته و بعد خودش به داخل برگشته است.» این اظهار از زبان سخنگوی نظامی، «جیمز ویلیمز» (Lt. Cmdr. James Williams) به نشر رسیده است. روزنامه همچنان می نویسند. گفته شده است که این مرجع رسمی امریکائی، تأکید به عمل می آورد که «فیر توسط یک نفر» به تنهایی انجام یافته است. از جانب «یک عسکر سرکش، کینه توز و بدکار، با تفاوت از لحظات و نمونه های گذشته، که در آن افراد ملکی بر حسب تصادف در جریان عملیات نظامی کشته شده اند.» لیکن این فیر عساکر امریکائی را در «یک لبه تیز»، در برابر حملات «تلافی کننده» یا انتقام جویانه، قرار داده است. همین مسؤل همچنان تذکر می دهد، که «بیم از آن دارم که آن افغانهای محل که در برابر هردو جانب بی تفاوت اند، این نزاع، حال کم از کم باعث تحریک عکس العمل موقت احساساتی خواهد گردید، به شورش فعال دست خواهد زد...». روزنامه این اظهارات را از زبان یک افسر نظامی امریکا، مستقر در قندهار، که از ذکر نام خودداری نموده است، می نویسد.

حادثه در سراسر جهان، نفرت و انزجار را به بار آورد. در رابطه با شکل وقوع حادثه از زبان مردم قریه، مقامات رسمی افغانی، حکایات متنوع صورت گرفته است. مطبوعات از قول مقامات نظامی امریکا، یک متهم را نام داده اند، که اخیراً از صورت دعوی مقامات علیه این یک عسکر، تذکر به عمل آمده است. مطبوعات در عین زمان، اظهارات، شک و تردید، مقامات رسمی افغانستان، به شمول شخص اول کشور، که گفته است، حادثه را آنطوری که برایش گزارش یافته است، «کار یک فرد» نمی داند. در عین حال، مدارک «ویدیویی» را که به قول رئیس جمهور افغانستان، مقامات نظامی امریکائی برایش نشان داده است، «قناعت بخش» ندانسته است.

روشن است که، «قتل» یک انسان، به مثابه «جنایت سرمایه» محسوب می‌گردد، در چنین تعداد زیاد و آنهم در صورتی که، اطفال، زنان و پیر مردان در جمله شامل باشند و در جبهه جنگ هم واقع نشده باشد، که به علت دلایل دیگر نظیر خبط سلاح و غیره استدلال صورت گرفته می‌تواند، باید عمل سنگین جنائی از هر دو جانب شناخته می‌شد. در صورتی که مسؤولین افغانی و امریکائی، همانند متخصصین و کارمندان دولتی، دولت های متمدن پیشرفته که به واقعات قتل انسانهای بیگناه، توجه جدی می‌داشته باشند، عمل کرده باشند، باید اسناد لازم را با طرق پیشرفته تکنیکی، جمع آوری و حفظ نموده باشند.

وقتی به عکس ها و مدارک مطبوعاتی توجه شود، چنین تشویش می‌تواند خلق شود که شاید، مسؤولین در فکر آن نبوده باشند. در حالی که کمبود «فاکت ها»، قضات را به مشکل روبرو خواهند ساخت. این را هم نباید از نظر دور داشت، که در دول مبتنی بر سیستم حقوقی، نزد مسؤولین دولتی و به اساس قانون آنها، قتل تا زمان دریافت مجرم هیچ گاه فراموش نمی‌گردد، باید اسناد و مدارک تهیه می‌شد.

اعضای قوای مقننه افغانستان، به اساس گزارشات مطبوعاتی، به اقدامات مسدود ساختن «دروازه» ولسی جرگه دست بردند. تحریک احساسات مردم، در برابر همچو واقعه و تلاش احتمالی به خاطر بهره برداری سیاسی، از جهات مختلف، به شمول حلقات دور حکومتی که همین قوای خارجی، اهرم قدرت آنها را بر پا نموده است، محسوس بوده است. از این حرکات و اظهارات تحریک آمیز نظیر اظهارات نمونه ئی از اعضای ولسی جرگه، تا حدی بوی «بی مسؤولیتی» مقامات دولتی نیز بر ملا شده می‌تواند.

همه دنیا واقف است که گویا، انتقال قدرت و اداره کشور الی سال ۲۰۱۴، به همین حکومت از جانب همین قوای خارجی سپرده خواهد، در اینجا نمی‌خواهم از این مسؤولین بیرسم که تا همین اکنون، تا چه حد، حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال را به معنی واقعی آن، در اختیار کشور و همین رهبران می‌بینند.

موضعگیری «رئیس جمهور» اینبار لحن دیگری داشته است. در مصاحبه با «لیز دوسیت» از «رسیدن طناب به آخر» نام می‌برد. برخی از رسانه ها، به شمول «شپیگل آنلاین» از تعبیر «قطع رابطه با امریکا» را استنتاج می‌نمایند.

در همان روزی که در حادثه پنجوایی یکی از افراد، ممکن فرستنده حامد کرزی، رئیس جمهور به محل، موسفیدی را با آقای حامد کرزی، رئیس جمهور از طریق تیلیفون «موبایل» ارتباط می‌دهد، در این صحبت، باشنده موسفید، خواستار «تطبیق عدالت» می‌گردد. چنین یک عمل در حادثه «گرانی» فراه و هم در شیندند، در سطح مطبوعات به نظر نرسیده است. قرار گزارش «بی.بی.سی.» بیرون کشیدن قوای خارجی از دهات، به نفع «طالبان» تلقی می‌گردد. در خلال متون خبری مطبوعات خارجی، همچنان از اعلان قصد «انتقام گیری» حرف در میان بوده است.

«قاتل» و یا قاتلین» ۱۶ الی ۱۷ انسان مرد و زن و پیر و جوان و اطفال، ممکن است به نسبت سهل انگاری های احتمالی، نا فهمی ها و یا اقدامات عمدی، چون نابودی آثار «ثبوت» برای تثبیت جرم مجرم و یا مجرمین، این متهم به قتل و یا قتل ها، هیچ گاه به سزای اعمال خود نرسد و یا نرسند. در شرایط علم و تخنک، به جای این که، با استفاده از تکنیک پیشرفته، تشخیص اعمال جنائی، موضوع بررسی می‌گردید، اخیراً یک «تیم تلویزیونی»، بعد از وقوع حادثه «راپورتاژ» تهیه نموده است، که به طور غیر معمول اطفال معصوم وحشت زده را در برابر کامره تلویزیون مورد سؤال قرار داده اند. می‌توان چنین انتباه گرفت که نه در این کشور و نه در نزد «راپورتر تلویزیونی» که یک خانم بوده است، بوئی از سیاست و یا حقوق حمایت از طفل وجود دارد. درحالی که در این

جهان ما متخصصانی وجود دارند، که وقایع جنائی را پس از بیست و یا سی سال توضیح می‌توانند و مجرم را به جنگ قانون برای تطبیق عدالت می‌سپارند.

هموطنان ما خود می‌دانند، که پس از کنفرانس «پیتربورگ» شهر «بین» المان، در سال ۲۰۰۱، که در نتیجه آن، حکومت یا اداره موقت، از ترکیب اعضای چهار گروپ و تنظیم، در رأس حامد کرزی تشکیل گردید، کشور در چه شرایط قرار داشته است. همین چهار گروپ، وظیفه داشته‌اند، تا تحت حمایت سازمان ملل متحد و کمک‌های وسیع مالی و تخنیکی، بین المللی، پروگرام «اعمار مجدد» و «ملت سازی» را به پیش برند و در افغانستان، مجدداً اداره دموکراتیک دولتی را برقرار نمایند. نتیجه ده سال گروپ بندی‌های بقایا و سنگ پایه‌های تنظیمی و «جنگ سالاری»، ثابت ساخته است که فعالیت‌های «دو رویه» و «دوگانه» نمایندگان آنها در حکومت «ضعیف و فاسد»، به مثابه یکی از عوامل عمده تداوم جنگ و عدم موفقیت قوای «ائتلاف» در امر اهداف معینه آنها محسوب شده می‌تواند. وقتی به اظهارات مقامات دولتی و اعضای ولسی جرگه، نظیر: «اگر این متهمین مجازات نگردند، مردم مجبور خواهند شد تا در یک قیام سهم بگیرند.» و یا اظهار یک وزیر: «احتمال می‌رود که احتجاجات نوین رونما گردد.» و یا یک عضو ولسی جرگه: «خون افغان نمی‌تواند بیهوده بریزد.» که در فوق تذکار یافته است، به مثابه مشت نمونه خروار بنگریم، به وضاحت دیده می‌شود، که این وابستگان تنظیم‌ها، از یکطرف، مشتاق معاشات بلند‌اند، بدین علت در یک کنج زبان از روابط با ثبات با «اضلاع متحده حرف می‌زنند و از جانب دیگر چون طول عمر چوکی‌های خود را در «تشدید و تداوم» فعالیت‌های جنگی مخالفین دولت می‌بینند، به اظهارات تحریک‌آمیز علنی نیز متصل می‌شوند. این شیوه عمل را وابستگان تنظیم‌ها، از طرز العمل‌های چندین دهه رژیم‌های شناخته شده در «جهان اسلام» آموخته‌اند.

ختم

۲۰۱۲/۰۴/۱۵

یادداشت:

پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" کنفرانس اول درین را به مثابه نقطه عطفی می‌داند که امپریالیستها در پوشش آن توانستند اشغال برهنه افغانستان و سرکوب خونین مردم آن را به زعم خودشان قانونیت ببخشند. بر همین مبنا نه تنها از دید ما تمام شرکت‌کنندگان آن کنفرانس به مثابه جاده صاف کن‌های استعمار، خاین ملی به شمار می‌روند، بلکه هیچ یک از تصامیم آن هم کمترین ارزش قانونی و حقوقی ندارد. در نتیجه اداره ای را که از آن کنفرانس به وجود آمده یک اداره مستعمراتی دانسته، مبارزه همه جانبه علیه چنین اداره و باداران اشغالگرش را از وجایب انکار ناپذیر ملی و به استناد فتوای دانشمندان اسلامی همکار با پورتال، اسلامی، می‌داند.

اداره پورتال AA-AA